

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ماریو ساراویا
برگردان: تارنگاشت عدالت
فرستنده: عثمان حیدری
۲۲ جون ۲۰۲۴

۶ ماه تشنج مرگ



ارجنتاین با تشنج مرگ روبه‌رو است. هنوز نمرده و معلوم نیست که آیا خواهد مرد ولی وضعیت آن، از نظر اجتماعی، یا سیاسی و یا اخلاقی و حتی به عنوان یک دولت ملی بسیار جدی است. از نظر اجتماعی به این خاطر چون "خاویر میلی" در مقام رئیس جمهور فقر را به ۶۰ درصد و فقر شدید را به تقریباً ۲۰ درصد رسانده است. علت آن شوک تورمی چند ماهه اول توضیح داده می‌شود با فله‌های ۲۵ درصدی در ماه و بعد کاهش تورم به ۵ درصد به عنوان یک موفقیت در حالی که در واقع سطح تورم تازه به دوران قبل از ریاست جمهوری او رسیده است. کاهش سریع ارزش پیروی ارجنتاین، آزادسازی قیمت‌ها و لغو یارانه‌های دولتی برای انرژی و حمل و نقل، هزینه‌های زندگی را بالا برد. دولت این را نیز به عنوان یکی دیگر از دستاوردهای سیاست قلع و قمع خود معرفی کرد. آن چه که باد هوا شد، سطح زندگی جامعه ارجنتاینی بود که به کاهش شدید مصرف انجامید، که به نوبه خود پیامدهای دیگری از جمله رکود، تعطیلی گسترده شرکت‌های بزرگ و کوچک، بیکاری و ایجاد ارتش فقر جدید را به دنبال داشت. خلاصه بگوئیم، بدترین سناریو برای اقتصاد کشور؛ Stagflation که ترکیب نادری از تورم و رکود است.

محور اصلی مبارزات انتخاباتی یک فریب بزرگ از آب درآمد: میلی قول داده بود که به حیات "کاست" سیاسی پایان دهد و این کاست مفروض را به پرداخت هزینه بحران موظف سازد. بحرانی که او آن را به یک تراژیدی تبدیل کرده و اکنون این زحمتکش‌انند که هزینه آن را می‌پردازند و نه به اصطلاح «کاست سیاسی». کاست واقعی، یعنی سرمایه‌های

بزرگ، روز به روز خوشحال‌تر می‌شود، به‌ویژه سرمایه‌داران سفته‌باز و سرمایه‌های خارجی که فقط منتظرند تا قانون پایه Ley Bases به اجرا درآید تا بتوانند به منابع طبیعی ما حمله کنند.

در واقع، این قانون معروف که دولت برای تصویب آن بسیار تلاش کرد، یک قانون واقعی نو استعماری است که انواع امتیازات را برای سرمایه‌های خارجی که برای غارت منابع انرژی - نفت، گاز و بالاتر از همه، لیتیوم - آمده، تضمین می‌کند.

پیش‌نویس این قانون، Ley Bases، که ابتداء به نام «قانون همه‌گیر» شناخته می‌شد، در جنوری با بیش از هزار ماده به کنگره ارسال شد و در این هفته تنها با ۲۳۸ ماده، اما با حفظ مواد اصلی و اساسی آن به تصویب رسید و از طریق افزایش اختیارات ویژه قوه مجریه، که می‌لئی را تقریباً به یک حاکم مطلق تبدیل می‌کند قدرت تخریب آن را افزایش بخشید.

مذاکرات بر سر قانون مورد بحث به وقایع شرم‌آوری منجر شد، مانند واقعه یک سناتور اپوزیسیون که در آخرین لحظه رأی خود را تغییر داد و - چه تصادفی - به عنوان سفیر کشور در یونسکو، در پاریس منصوب شد، هدفی که آرزوی بسیاری از سیاسیون است. این بدان معناست که علاوه بر تشنج مرگ اجتماعی که قبلاً اشاره شد، یک بحران سیاسی و اخلاقی بسیار جدی نیز وجود دارد.

در حالی که همه اینها در درون ساختمان پر جلال کنگره در شرف وقوع بود، تصاویر معمولی از یک کشور در حال نزاع در بیرون تکرار می‌شد. از یک طرف مردم معترض و از طرف دیگر سرکوب منطقی آنها توسط پولیس، جنبه‌های پیش‌بینی شده و با دقت برنامه‌ریزی شده حکومتی بود که می‌داند بدون چماق و گاز اشک‌آور و زندان نمی‌تواند برنامه خود را علیه ملت و مردم به اجرا درآورد.

رکورد دیگر، سفرهائی بین المللی است که می‌لئی طی ده سفر در مدت شش ماه انجام داده که بیشتر آنها برای مقاصد شخصی و خصوصی، اما با صرف بودجه عمومی بوده است.

در ماه نومبر، او به عنوان رئیس جمهور منتخب، برای بازدید از قبر یک خاخام مسیحائی به نام Manachen Schneerson به نیویورک سفر کرد. در ماه جنوری برای اجلاس سالانه ثروتمندترین افراد جهان به داووس سوئیس رفت. در ماه فبروری به اسرائیل سفر کرد و در آنجا از دولت بنیامین نتانیاو که توسط سازمان ملل متحد به نسل‌کشی مداوم علیه مردم فلسطین متهم شده، حمایت کامل کرد و این سفر را با سفر به ایتالیا ترکیب کرد و در آنجا جورجیا ملونی، رهبر راست افراطی را در آغوش گرفت. او سپس برای شرکت در «کنفرانس سیاست اقدام محافظه کارانه» به ایالات متحده، به واشنگتن، رفت و در آنجا با دونالد ترامپ ملاقات کرد.

در ماه اپریل او به میامی رفت، تا دوباره با دوستان لوبابی خود (بخش بسیار کوچکی از مرتجع‌ترین یهودیان)، که او را سفیر نور نامیدند ملاقات کند. او سپس به تگزاس رفت تا با ایلان ماسک، یکی از علاقه‌مندان به لیتیوم ارجنتاینی، عکس یادگاری بگیرد.

در ماه مه او به مقصد مورد علاقه خود، ایالات متحده، این بار به لس‌آنجلس رفت تا در کنفرانسی در بنیاد میلکن، یک اتاق فکر راست‌های نئولیبرال شرکت کند.

در ماه مه او از اقیانوس اطلس عبور کرد تا با دوستانش از Vox در یک رویداد نئوفرانکیست‌ها در مادرید شرکت کند، جایی که او به نخست‌وزیر اسپانیا پدرو سانچز توهین کرد و بحران دیپلماتیک دیگری را دامن زد.

اوایل این ماه او برای بازدید از کارگروه‌های سیلیکون‌ولی در سانفرانسیسکو به ایالات متحده بازگشت، سپس به السالوادور سفر کرد تا در مراسم تحلیف "نایب بولکه" شرکت کند. او در آخر هفته به اجلاس G7 در ایتالیا و سپس به

سوئیس رفت تا بدون قید و شرط از ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین در جنگ علیه روسیه حمایت کند. او پنجشنبه آینده برای دریافت جایزه از انستیتوی خوان دی ماریانا، یکی دیگر از مؤسسات متعددی که نئولیبرالیسم را با چاشنی نئوفاشیسم ترکیب می کند، به مادرید باز خواهد گشت.

از این ده سفر در کمتر از شش ماه، تنها سه سفر او مربوط به وظایف دولتی بوده است: داوس، اسرائیل-ایتالیا و G7. بقیه سفرها همگی در راستای اهداف شخصی وی انجام گرفته است.

و در پایان و شاید بدتر از همه، این که این بحران یکپارچگی ارجنتاین را تهدید می کند، می لئی در مصاحبه ای اعتراف کرد: «دوست دارم کورموشی باشم که یک دولت را از درون ویران می سازد.»

این اعتراف ابعاد کامل تشنج مرگ ارجنتاین را نشان می دهد. ما با راست سنتی نئولیبرال که همیشه از کوچک کردن دولت تا حد امکان صحبت کرده است، سر و کار نداریم، بلکه با یک آنارکوکاپیتالیست واقعی روبه رو هستیم که می خواهد آن را نابود کند، واقعاً آن را نابود کند.

نابودی دولت یعنی نابودی ملت. وخامت وضعیت نگران کننده است، تشنج مرگ غم انگیز است و پیشبینی آینده را باید بسیار محتاطانه انجام داد

برگرفته از: گرانما
منتشر شده در تاریخ: ۱۷ جون ۲۰۲۴